

• اثر شرط داوری نسبت به شخص ثالث

مرجع صدور: شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران

چکیده: با توجه به اینکه قانون گذار در صورت فوت احدی از طرفین قرارداد داوری، امر داوری را قابل تسری به وراثت و قائم مقام قانونی ندانسته به طریق اولی شخص ثالثی که در قرارداد متضمن شرط داوری مدخلیتی ندارد، متعهد به شرط داوری نیست.

تاریخ رای نهایی: 1393/06/29

شماره رای نهایی: 9309970221500726

رای بدوی

آقای م.ح. با وکالت آقای م.ب. به طرفیت آقای ع.پ. با وکالت آقایان غ.م. و م.ح. دادخواستی مبنی بر صدور حکم بر ابطال رأی داوری مطابق مادهی ۴۸۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی تقدیم که به این شعبه ارجاع گردیده است. دادگاه با تشکیل جلسه دادرسی و استماع مدافعات خوانده در قالب لایحهی تقدیمی، دعوی مطروحه را از حیث ماهیت مورد بررسی قرار داد. آنچه از نظر دادگاه در خصوص چگونگی و کیفیت رسیدگی هیئت محترم داوران قابل تأمل و توجه است اولاً متن قرار داوری مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۰ می باشد. در صدر این توافق آمده است " در ادامه روند داوری حل و فصل اختلافات مالی آقایان م.ح. و ع.پ. این توافقنامه در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۳۰ بین آنها منعقد گردید... همچنین در بند چهارم این قرار آمده است: (انجام کلیه محاسبات جهت تعیین بدهی و یا مطالبات هریک از طرفین و نیز مبنای محاسبه تأخیر تأدیه از زمان تحقق بدهی هریک از طرفین به دیگری برعهده هیئت داوری است. (بدیهی است با لحاظ دلالت الفاظ بر معنی، طرفین قرار داوری صرفاً اشخاص حقیقی بوده اند که عبارتند از خواهان و خواندهی همین دعوی یعنی آقای م.ح. و ع.پ. این قرار فیما بین مشارالیه مانع حضور غیر از ایشان در فرآیند دادرسی نزد داوران محترم می باشد. به این معنی که اگر شخص ثالثی قصد حضور در پرونده داوری را داشته باشد و یا اطراف داوری قصد دخالت شخص ثالثی در جریان داوری را داشته باشند محتاج وضع قرار جدید مابین اطراف داوری و ثالث خواهد بود، که در مانحن فیه تاکنون دلیل یا مدرکی ارائه نشده است که ثالثی با رعایت ترتیبات حقوقی و قراردادی در امر داوری شرکت نموده است. ثانیاً نحوه رسیدگی داوران محترم به موضوع ارجاعی می باشد به عقیدهی این دادگاه حتی علی رغم سکوت خواهان، داوران جهت ورود به مراودات مالی پیشین، مابین خواندهی شرکت خارجی الف.ش. که وجود این مناسبات از توجه به مستندات مضبوط در پرونده غیر قابل انکار است، فاقد اذن قراردادی یا قانونی بوده اند چرا که خواهان در شرکت مزبور فاقد سمت قانونی است و از سوی دیگر شرکت مزبور در قرار داوری فاقد هرگونه مدخلیت می باشد.

به عبارت دیگر اختلاف راجع به ال‌سی‌ها علیه گشاینده آن طرح نگردیده است. ثالثاً به دلالت تصویر مستندی که از سوی شرکت الف.ش. ارائه شده و نیز اعلام‌های متعدد خواهان در این پرونده و نیز پرونده مطروحه نزد داوران منتخب، نقش خواهان مابین خواننده و شرکت یادشده صرفاً نمایندگی در وصول مطالبات بوده است. اگر هیئت داوران معتقد بوده‌اند نقش آقای م.ح. در این مرادوات (مابین خواننده و شرکت مرقوم) بیش از این است باید ابتدا جایگاه وی را اثبات توصیف و سپس به اعتباراً «مبادرت به انشاء رأی در این خصوص علیه خواهان می‌نمودند. رابعاً باوصف گشایش ال‌سی‌ها توسط شرکت الف.ش. به لحاظ رعایت مقررات آمره قانون آیین دادرسی مدنی خصوصاً مفهوم بند ۴ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی لازمه‌ی مقدمه‌ی بررسی موضوع اختلاف حساب ناشی از ال‌سی‌ها حضور شرکت الف.ش. در دعوی است لیکن ردپایی از این شرکت در قرارداد داوری نیست. بنابه مراتب معنونه این دادگاه معتقد است چون داوران محترم در جای جای رأی داوری به ال‌سی‌های گشایش شده توسط شرکت الف.ش. اشاره کرده‌اند و این شرکت نقش خواهان را در آن ال‌سی‌ها صرفاً در حد نمایندگی جهت وصول وجه از خواننده اعلام کرده است بنابراین ضرورت داشت موضوعات و اختلاف بین طرفین در دعوی با حضور آنها و شرکت مزبور مورد ممیزی قرار گیرد و محکومیت خواهان این دعوی به پرداخت بدون توجه به روابط بین خواننده و شرکت مزبور، ناقض اصول اولیه آیین دادرسی مدنی از حیث توجه به سمت در دعوی می‌باشد که جز به قواعد آمره و قوانین موجود مقرر است و منافی مقررات مذکور در بند یک ماده ۴۸۹ قانون یادشده می‌باشد. از سوی دیگر ورود به روابط قراردادی مابین خواننده و شرکت الف.ش. ورود هیئت داوری به موضوع است که در حیطه صلاحیت و اختیارات ایشان نیست چراکه در متن قرار داوری مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۰ هیچ بیانی از رسیدگی به اختلاف طرفین با شرکت مزبور مشاهده نمی‌گردد. که از این حیث هم رأی داوری مغایر بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۸۹ قانون مارالذکر است. به این معنی که صدور رأی خارج از حدود اختیارات داوران است بنابه مراتب با استناد به ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و نیز بندهای اول و دوم و سوم ماده ۴۸۹ و ماده ۴۹۰ از قانون استنادی حکم بر ابطال رأی داوری صادر و اعلام می‌دارد. این رأی ظرف بیست روز نزد دادگاه‌های محترم تجدیدنظر استان تهران قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. رئیس شعبه ۸۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران - چاووشی

رای دادگاه تجدید نظر

تجدیدنظرخواهی آقای ع.پ. با وکالت آقایان م.الف. و غ.م. به طرفیت آقای م.ح. نسبت به دادنامه شماره ۹۲۰۲۹۱ مورخ ۹۱/۱۲/۲۵ صادره از شعبه ۸۷ دادگاه حقوقی تهران که متضمن پذیرش دعوی خواهان بدوی مبنی بر ابطال رأی داوری داشته به نظر دادگاه وارد است و دادنامه صادره صحیحاً وفق مقررات قانونی اصدار یافته چراکه قرارداد منشأ امر داوری فقط نسبت به متعاقدين و طرفین قرارداد مؤثر بوده، داور مرضی الطرفین صرفاً حق اظهار نظر نسبت به اشخاص فوق (طرفین قرارداد) بر اساس مفاد قرارداد دارد و اقدام و اظهار نظر وی نسبت به اشخاص ثالثی که

مدخلیتی در تنظیم قرارداد و پیش‌بینی امر داوری در صورت حصول اختلاف نداشته‌اند برخلاف اراده و نیت طرفین قرارداد و نیز مخل حقوق اشخاص ثالث بوده که نیاز به اذن و رضایت آنان داشته ملاحظه می‌گردد قانون‌گذار حسب بند ۲ ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی حتی در صورت فوت احدی از طرفین قرارداد داوری، امر داوری را قابل تسری به وراثت و قائم‌مقام قانونی ندانسته چه رسد به اینکه بتوان شخص ثالث را که در ارتباط و قرارداد تنظیمی فی‌مابین مدخلیتی ندارد وارد موضوع نموده و داوری را بوی نیز تعمیم داد لذا دادگاه بنا به مراتب مرقوم نظر به اینکه تجدیدنظر خواهی تملکی به هیچ جهات و دلیل قانونی نبوده لذا ضمن رد تجدیدنظر خواهی مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه معترض‌عنه را تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه
عشقعلی - اسماعیلی

منبع: پژوهشگاه قوه قضائیه